

ارزیابی عوامل اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی مؤثر بر تاب آوری کالبدی-فضایی جوامع روستایی گردشگر پذیر

<https://doi.org/10.7183/gisrs.2020.1225883>

نوع مقاله: علمی پژوهشی

ایمان تنباکوفروش ها، وحید بیگدلی راد*^۲، مریم خستو^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۰۴

صفحه: ۹۳ تا ۱۰۵

چکیده

هدف از پژوهش حاضر ارزیابی عوامل اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی مؤثر بر تاب آوری کالبدی-فضایی جوامع روستایی گردشگرپذیر است. روش: پژوهش حاضر از نوع تحقیق کاربردی با رویکرد توصیفی-تحلیلی و همبستگی و با هدف ارزیابی عوامل اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی مؤثر بر تاب آوری کالبدی-فضایی جوامع روستایی گردشگرپذیر طراحی شد. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی اهالی روستاهای گازرخان، زرآباد، گرمارود، آتان و اندج در بخش الموت استان قزوین بود که تعداد آنان برابر با ۲۲۰۳ نفر برآورد شد. بر اساس نمونه‌گیری خوشه‌ای از ۳۲۷ نفر از میان ۲۲۰۳ نفر جامعه آماری انجام شد. داده‌ها از طریق سه پرسشنامه استاندارد شامل تاب آوری اجتماعی-فردی (CD-RISC)، مدیریت و حکمرانی محلی، و پرسشنامه محقق‌ساخته تاب آوری کالبدی-فضایی گردآوری شد. داده‌ها پس از جمع‌آوری میدانی به کمک نرم‌افزارهای SPSS^{۲۵} و SmartPLS^۳ تحلیل شدند. یافته‌ها: در مدل، بیشترین اثر مستقیم مربوط به تنوع درآمدی با ضریب ۰.۶۴ و سپس کارآمدی مدیریت محلی و سرمایه اجتماعی بود. تحلیل ساختاری نیز نشان داد که بعد اقتصادی با ضریب ۰.۷۶۱ قوی‌ترین عامل اثرگذار بر تاب آوری کالبدی-فضایی است. معناداری همه مسیرها بر نقش محوری عوامل اقتصادی، مدیریتی و اجتماعی در تقویت تاب آوری سکونتگاه‌های گردشگرپذیر تأکید می‌کند. نتیجه‌گیری: یافته‌ها نشان می‌دهد که زیرساخت‌های مالی و تنوع فعالیت‌های معیشتی مرتبط با گردشگری بیشترین سهم را در افزایش ظرفیت سازگاری روستاها دارند. همچنین حکمرانی محلی کارآمد و انسجام اجتماعی، پایه‌های اصلی پایداری فضایی و اجتماعی محسوب می‌شوند. بر این اساس، تقویت سرمایه اجتماعی، بهبود مدیریت محلی و تنوع‌بخشی اقتصادی برای دستیابی به تاب آوری چندسطحی ضروری است.

واژگان کلیدی: شبکه اجتماعی، نظام مدیریتی، تاب آوری کالبدی-فضایی، روستاهای گردشگرپذیر

itanbakoforoosh@gmail.com

vahid.bigdeli@iau.ac.ir

Khastou20141@yahoo.com

۱- دانشجوی دکترای شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

۲- دانشیار، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران (نویسنده مسئول)

۳- استادیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

مقدمه

تاب‌آوری به‌عنوان ظرفیت سیستم اجتماعی-فضایی برای جذب اختلالات، بازسازی و احیای عملکرد اصلی خود، در سال‌های اخیر در پژوهش‌های توسعه روستایی بسیار مورد توجه قرار گرفته است (واکر، ۲۰۱۴). ستیوان^۴ و همکاران (۲۰۲۴) در بافت روستایی گردشگرپذیر، گردشگری می‌تواند منبع اقتصادی مهمی باشد، اما نوسانات بازار، فشار جمعیت گردشگر و تغییرات زیست‌محیطی نیز تهدیداتی جدی برای پایداری این جوامع به‌شمار می‌آیند. بنابراین، درک تاب‌آوری کالبدی-فضایی این روستاها ضروری است تا فرصت‌های گردشگری با روش‌های پایدار و مقاوم‌سازی محلی بهینه شوند.

مطالعات نشان داده‌اند که تاب‌آوری فضایی در جوامع روستایی نه‌تنها به منابع طبیعی و فرهنگی بستگی دارد، بلکه به ساختار کالبدی (مورفولوژی)، عملکردهای محلی و طراحی فیزیکی روستا نیز وابسته است (لی^۵ و همکاران، ۲۰۲۵). به‌عنوان نمونه، در مطالعه دو روستای گردشگر در استان جیانگ‌سو چین، تفاوت در ساختار فیزیکی و تنوع عملکردی به‌عنوان عوامل کلیدی تاب‌آوری شناسایی شده‌اند. این مطالعات نشان می‌دهد که تاب‌آوری کالبدی تنها به معماری فیزیکی محدود نمی‌شود، بلکه طراحی فضایی، توزیع فعالیت‌ها و تطبیق عملکردی روستا نقش اساسی در مقابله با فشارهای اقتصادی و گردشگری دارند. تاب‌آوری در روستاها معمولاً نتیجه تعامل چندگانه میان ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و نهادی است. در بسیاری از سکونتگاه‌های روستایی، این ابعاد به‌صورت نامتوازن رشد می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که ضعف در هر یک از مؤلفه‌ها می‌تواند تاب‌آوری کل سیستم را تحت تأثیر قرار دهد. در روستاهایی که سرمایه

اجتماعی قوی، مشارکت جمعی بالا و پیوندهای اجتماعی منسجم وجود دارد، توان سازگاری در برابر شوک‌های اقتصادی، تغییرات محیطی و فشارهای گردشگری بالاتر مشاهده می‌شود (میرعمادی و همکاران، ۱۴۰۲). از سوی دیگر، بعد اجتماعی و اقتصادی تاب‌آوری نیز اهمیت زیادی دارد. در تحقیق «تاب‌آوری اقتصادی ناشی از گردشگری در مقاصد روستایی» مشخص شد که ویژگی‌های ساختاری مقصد مانند دسترسی مکانی، سرمایه اجتماعی و ظرفیت حکمرانی محلی ارتباط معناداری با بازتوانی اقتصادی پس از شوک‌های مالی یا جمعیتی دارند (ایبانسو^۶ و همکاران، ۲۰۲۲). همچنین، در مطالعه‌ای در اندونزی نشان داده شده است که توسعه گردشگری مشارکتی می‌تواند به تثبیت امنیت غذایی در جوامع روستایی کمک کند، زیرا درآمد گردشگری به‌عنوان منبع جایگزین برای تأمین معیشت محلی عمل می‌کند (ستیوان و همکاران، ۲۰۲۴). ابعاد کالبدی و فضایی روستاها به‌طور پیوسته بر یکدیگر اثر می‌گذارند و کیفیت زندگی، تاب‌آوری و ظرفیت توسعه روستا را تعیین می‌کنند. بعد کالبدی شامل بافت روستا، کیفیت بناها، راه‌ها و زیرساخت‌هاست و بعد زیست‌محیطی به منابع آب و خاک، پوشش گیاهی، اقلیم و حساسیت اکولوژیک اشاره دارد. هرگونه ضعف در کالبد، توان محیطی را کاهش می‌دهد و هر نوع تخریب محیط‌زیست نیز پایداری کالبدی را تضعیف می‌کند؛ بنابراین توسعه روستایی زمانی پایدار است که این دو بعد به‌صورت هماهنگ و مکمل مدیریت شوند (ملایی و همکاران، ۱۴۰۲).

همچنین، پژوهش‌های ایرانی نیز بر اهمیت تاب‌آوری کالبدی در روستاها تأکید دارند؛ برای مثال، بررسی تاب‌آوری کالبدی مسکن روستایی در مواجهه با مخاطرات سیلاب نشان داده است که مولفه‌های مکانی،

^۶ Ibanso

^۴ Setiawan

^۵ Li

سازه‌ای، قانونی، کارکردی و تصویر ذهنی هر کدام به نحوی بر تاب‌آوری مسکن تأثیرگذار هستند (حجاریان و قاسمی، ۱۴۰۲). چنین تحلیل‌هایی نشان می‌دهد که طراحی فضای فیزیکی و نظام مدیریت روستایی باید به‌گونه‌ای باشد که هم مقاومت در برابر مخاطرات را افزایش داده و هم بهره‌وری گردشگری را حفظ کند.

در پژوهش‌های اخیر، سامانه اطلاعات جغرافیایی^۷ به‌عنوان یکی از ابزارهای تحلیلی مؤثر در مطالعه تاب‌آوری کالبدی-فضایی شناخته می‌شود، زیرا این مفهوم ماهیتی چندبعدی داشته و مستلزم بررسی هم‌زمان مؤلفه‌های اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی و فضایی است GIS. با فراهم‌سازی امکان جمع‌آوری، یکپارچه‌سازی و تحلیل داده‌های مکانی، این قابلیت را ایجاد می‌کند که شاخص‌های غیرکالبدی نظیر سرمایه اجتماعی، وضعیت اقتصادی خانوارها و کارایی مدیریت محلی، در ارتباط مستقیم با ساختار فضایی سکونتگاه‌های روستایی مورد تحلیل قرار گیرند (اسراو^۸ و همکاران، ۲۰۲۵).

کاربرد GIS در این پژوهش امکان تحلیل فضایی الگوهای تاب‌آوری را در سطح روستاهای گردشگرپذیر فراهم می‌سازد؛ به‌گونه‌ای که از طریق همپوشانی لایه‌های اطلاعاتی مرتبط با زیرساخت‌ها، کاربری اراضی، دسترسی به خدمات، تمرکز فعالیت‌های گردشگری و شاخص‌های اجتماعی-اقتصادی، می‌توان سطوح مختلف تاب‌آوری کالبدی-فضایی را شناسایی و پهنه‌بندی کرد. این رویکرد کمک می‌کند تا نابرابری‌های فضایی تاب‌آوری مشخص شود و مناطقی که علی‌رغم برخورداری از ظرفیت گردشگری، به دلیل ضعف‌های مدیریتی یا اقتصادی آسیب‌پذیرتر هستند، به‌صورت دقیق شناسایی شوند. افزون بر این، GIS نقش مهمی در پشتیبانی از تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی

فضایی ایفا می‌کند. نتایج حاصل از تحلیل‌های مکانی می‌توانند مبنایی برای تدوین راهبردهای هدفمند در جهت ارتقای تاب‌آوری جوامع روستایی، بهبود توزیع خدمات، تقویت زیرساخت‌ها و افزایش ظرفیت نهادی مدیریت محلی باشند. مطالعات جدید نشان می‌دهد که به‌کارگیری GIS در توسعه و برنامه‌ریزی روستایی، امکان تحلیل هم‌زمان ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فضایی را فراهم کرده و به تحقق توسعه پایدار و افزایش تاب‌آوری سکونتگاه‌های روستایی کمک می‌کند (ژانگ^۹، ۲۰۲۴).

پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد که تاب‌آوری کالبدی-فضایی روستاها تحت تأثیر ترکیبی از عوامل مختلف است؛ برای مثال، مطالعه‌ای در چین نشان داد که تنوع عملکردی و طراحی مناسب کالبدی روستاها نقش مهمی در افزایش تاب‌آوری ایفا می‌کند (یانگ و وانگ، ۱۴۰۲). پژوهش دیگری در هند بر اهمیت هماهنگی میان مدیریت محلی، زیرساخت‌ها و فضاهای عمومی در ارتقای تاب‌آوری روستاها تأکید کرده است (پاتل^{۱۰} و همکاران، ۱۴۰۴). همچنین، در مطالعه‌ای در ایران، مشخص شد که استفاده از رویکردهای برنامه‌ریزی فضایی و توجه به ویژگی‌های طبیعی و اقلیمی منطقه می‌تواند تاب‌آوری کالبدی-فضایی روستاهای گردشگرپذیر را بهبود بخشد (کریمی و همکاران، ۱۴۰۴). نتایج این مطالعات نشان می‌دهد که تاب‌آوری روستایی تنها با تمرکز بر یک عامل ممکن نیست و ترکیبی از عوامل اجتماعی، مدیریتی و کالبدی باید در برنامه‌ریزی لحاظ شود.

پژوهش حاضر با تمرکز بر ارزیابی عوامل اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی مؤثر بر تاب‌آوری کالبدی-فضایی جوامع روستایی گردشگرپذیر نقشی کلیدی در پر کردن خلا علمی دارد، زیرا مطالعات محدود داخلی بر

^۹ Zhang

^{۱۰} Pawtel

^۷ Geographic Information System

^۸ Asrav

تاب‌آوری روستایی گردشگری عمدتاً به ابعاد اقتصادی یا محیطی بسنده کرده‌اند، در حالی که عوامل مدیریتی و طراحی فضایی به‌طور هم‌زمان کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند (غرایب و همکاران، بررسی تاب‌آوری اجتماعی اقتصادی در روستاها؛ همچنین ایمانی و معدنی، تحلیل آسیب‌پذیری ژئوفیزیکی روستاهای گردشگری، ۱۴۰۳).

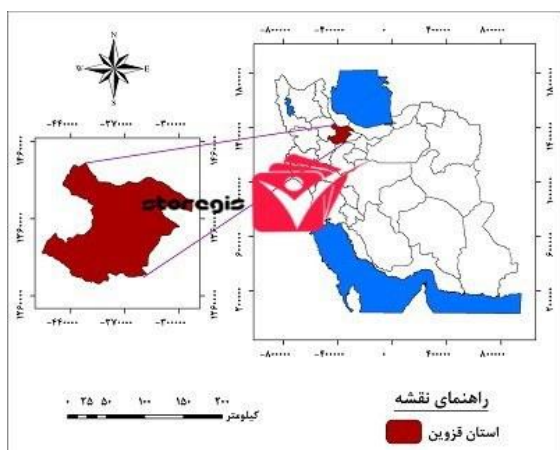
چالش اصلی در این زمینه، نبود مدل‌های جامع چندبعدی است که ابعاد کالبدی (مورفولوژی روستا)، عملکرد اقتصادی گردشگری و راهبری محلی را ترکیب کند، و پژوهش حاضر با هدف پرورش چنین مدل مفهومی، به طراحی سیاست‌های توسعه هدفمند و مقاوم‌سازی روستایی کمک می‌کند. ضرورت انجام این تحقیق از آن جهت است که تاب‌آوری کالبدی-فضایی می‌تواند زمینه توسعه پایدار گردشگری را فراهم کند، به‌طوری که جوامع روستایی قادر به مقابله با فشار گردشگر، تغییرات اقتصادی و تهدیدات زیست‌محیطی باشند و در عین حال از مزایای اجتماعی و اقتصادی گردشگری بهره‌مند شوند (مطالعه فاکتورهای تاب‌آوری روستایی در هلدینگ گردشگری همدان، ۱۴۰۰). لذا هدف از پژوهش حاضر ارزیابی عوامل اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی مؤثر بر تاب‌آوری کالبدی-فضایی جوامع روستایی گردشگری بود.

روش تحقیق

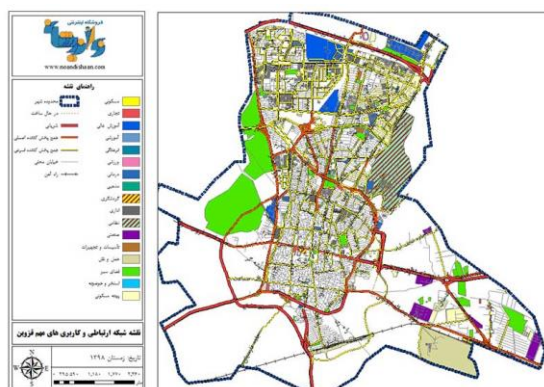
پژوهش حاضر از نوع تحقیق کاربردی با رویکرد توصیفی-تحلیلی و همبستگی است و با هدف ارزیابی عوامل اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی مؤثر بر تاب‌آوری کالبدی-فضایی جوامع روستایی گردشگری طراحی شده است. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی اهالی روستاهای گازرخان، زراباد، گرمارود، آتان و اندج در بخش الموت استان قزوین بود که تعداد آنان برابر با ۲۲۰۳ نفر برآورد شد. حجم نمونه با استفاده از روش

نمونه‌گیری خوشه‌ای و جدول کوکران تعیین شد و تعداد ۳۲۷ نفر به عنوان نمونه نهایی انتخاب گردید. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه ساختاریافته بود که از پرسشنامه‌های معتبر داخلی و بین‌المللی اقتباس شد و برای هر جامعه هدف به تفکیک طراحی گردید. بخش اول مربوط به مشخصات جمعیت‌شناختی بود و شامل ۷ گویه درباره سن، جنسیت، تحصیلات، شغل، سابقه سکونت و میزان مشارکت در فعالیت‌های گردشگری پاسخ‌دهندگان بود. بخش دوم به تاب‌آوری فردی-اجتماعی اهالی روستا اختصاص داشت و براساس پرسشنامه CD-RISC (Connor-Davidson Resilience Scale) طراحی شد. این بخش شامل ۵ مولفه و ۲۵ گویه بود که با مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای (۱=کاملاً مخالف تا ۵=کاملاً موافق) سنجیده شد و پایایی آن در نسخه فارسی $\alpha=0.89$ گزارش شده است و روایی محتوا توسط خبرگان تأیید گردید. بخش سوم به مدیریت و حکمرانی محلی اختصاص داشت و مخاطب آن مسئولان و نمایندگان شوراهای روستایی بود. این پرسشنامه شامل ۳ مولفه (انسجام مدیریتی، شفافیت و مشارکت، سیاست‌های حمایتی) و ۳۸ گویه بود و براساس مطالعه محمودنیا و زیاری (۱۴۰۰) طراحی شد. روایی محتوایی این بخش نیز توسط کارشناسان تأیید شد و پایایی آن با آلفای کرونباخ $\alpha=0.85$ گزارش گردید. بخش چهارم نیز پرسشنامه محقق ساخته سنجش ظرفیت‌های تاب‌آوری کالبدی-فضایی: این پرسشنامه از دو بخش ۱. بخش اطلاعات فردی، شامل: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و اطلاعات شغلی؛ ۲. پرسشنامه محقق ساخته (بعد از جمع‌آوری کدهای مصاحبه) تشکیل می‌شود

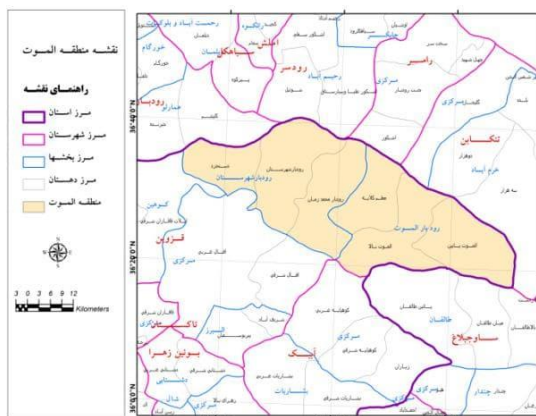
این پرسشنامه دارای پنج مولفه نهادی مدیریتی، زیست محیطی، کالبدی فضایی، اقتصادی و اجتماعی فرهنگی در قبال ۴۳ سوال و طیف مورد استفاده برای



شکل ۱. نقشه GIS ایران-قزوین



شکل ۲. نقشه Gis استان قزوین



شكل ٣. نقشه منطقه الموت

این پرسشنامه، طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت که از لحاظ ارزش اندازه‌گیری دارای فاصله‌های مساوی است و از (۱ تا ۵) بود. پرسشنامه به عنوان یکی از متداول‌ترین ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها در تحقیقات توصیفی، ابزاری است که با بهره‌گیری از مقیاس‌های خاصی، دیدگاه و بینش فرد پاسخ‌گو به وسیله آن مورد سنجش قرار می‌گیرد. روایی محتوا و صوری این پرسشنامه توسط ۱۰ نفر از اساتید و نخبگان حوزه گردشگری و شهرسازی مورد ارزیابی، اصلاح و تدوین قرار گرفت. همچنین پایایی پرسشنامه توسط ۱۵ نفر از اهالی روستا مورد ارزیابی قرار گرفت و در توسط آزمون آلفای کرونباخ ۰.۸۲/ بدست آمد که نشان از پایایی مطلوب پرسشنامه دارد.

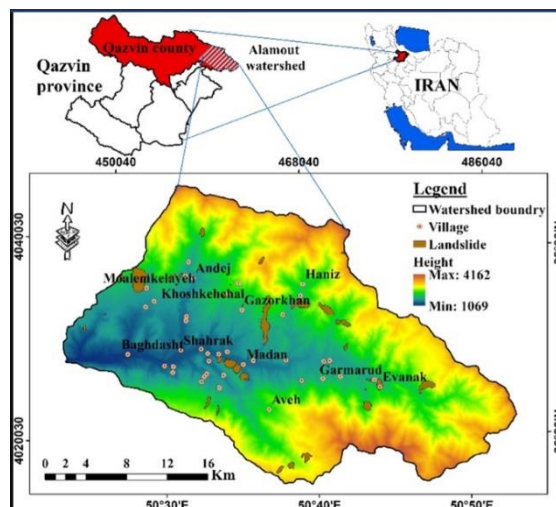
اجرای پرسشنامه‌ها به صورت حضوری و میدانی توسط پرسشگران آموزش دیده انجام شد. قبل از تکمیل، هدف پژوهش و نحوه پاسخ‌دهی برای شرکت‌کنندگان توضیح داده شد و رضایت آنان جلب گردید. هر پرسشنامه به طور میانگین حدود ۲۰ دقیقه زمان برای تکمیل نیاز داشت. پس از جمع‌آوری، داده‌ها وارد نرم‌افزارهای SPSS و SmartPLS شدند و تحلیل‌ها شامل آمار توصیفی، پایایی و اعتبار، تحلیل عاملی تأییدی، تحلیل همبستگی و رگرسیون چندمتغیره و مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) انجام شد. این طراحی پژوهش امکان بررسی جامع و چندبعدی تاب‌آوری روستایی و شناسایی عوامل اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی مؤثر بر آن را فراهم می‌کند و نتایج آن می‌تواند در بهبود برنامه‌ریزی فضایی و مقاوم‌سازی جوامع گردشگرپذیر کاربردی باشد.

یافته ها

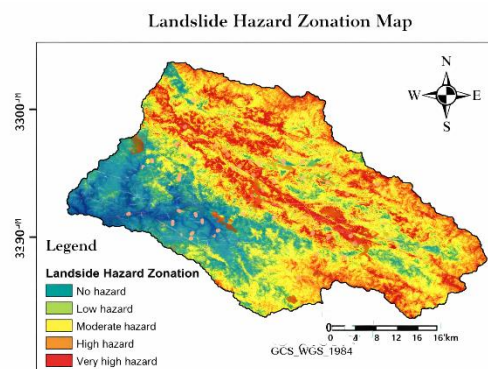
جدول ۱. آمار دموگرافیک جامعه آماری پژوهش

متغیر	گروه ها	فراوانی (نفر)	درصد (%)
جنسیت	مرد	۱۸۲	۵۵.۷
	زن	۱۴۵	۴۴.۳
سن	سال ۱۸-۳۰	۷۹	۲۴.۲
	سال ۳۱-۴۵	۱۳۱	۴۰.۱
	سال ۴۶-۶۰	۸۶	۲۶.۳
	بالای ۶۰ سال	۳۱	۹.۵
تحصیلات	بی سواد / ابتدایی	۴۲	۱۲.۸
	دیپلم	۱۱۸	۳۶.۱
	فوق دیپلم	۵۹	۱۸
	کارشناسی	۸۱	۲۴.۸
	کارشناسی ارشد و بالاتر	۲۷	۸.۳

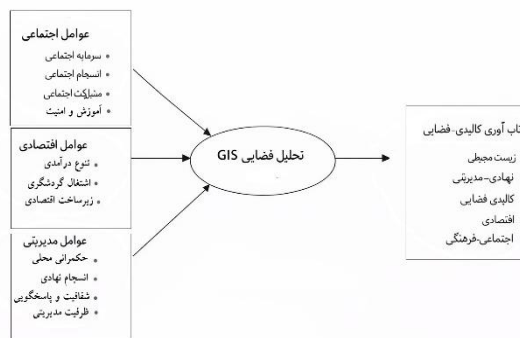
ترکیب دموگرافیک ساکنین نشان می‌دهد که ۵۵.۷ درصد پاسخگویان مرد و ۴۴.۳ درصد زن هستند و بیشترین گروه سنی روستاها مربوط به افراد ۳۱ تا ۴۵ سال با ۴۰.۱ درصد است. از نظر تحصیلات نیز بیشترین فراوانی به افراد دارای دیپلم با ۳۶.۱ درصد و سپس کارشناسی با ۲۴.۸ درصد تعلق دارد.



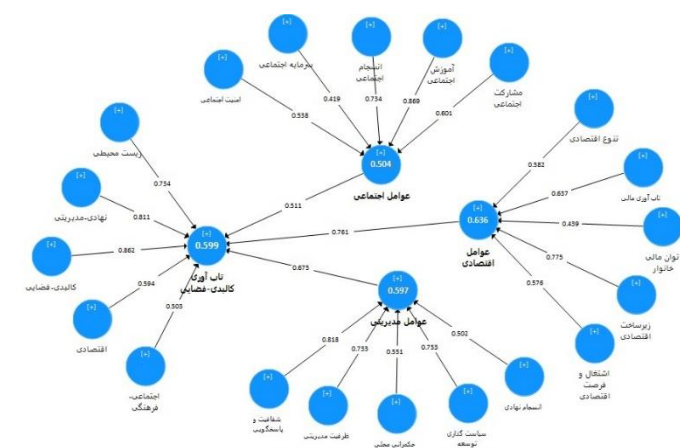
شکل ۴. نقشه Gis منطقه الموت استان قزوین



شکل ۵. نقشه پهنه بندی لغزش به روش نسبت فراوانی



شکل ۶. مدل مفهومی GIS محور پژوهش



نمودار ۱. ضریب مسیر پژوهش

با توجه به نمودار ۱. مقدار ضریب مسیر در مولفه ها و شاخص های پژوهش را نشان میدهد و مطابق این نمودار سه مولفه عوامل مدیریتی، عوامل اقتصادی و عوامل اجتماعی بر تاب آوری کالبدی-فضایی مورد ارزیابی قرار گرفت.

جدول ۱. ضریب مسیر و مقدار t شاخص های پژوهش

مولفه	شاخص	ضریب مسیر	مقدار t	پایایی (CR)
عوامل اجتماعی	سرمایه اجتماعی	۰.۵۳۸	۷.۴۳	۰.۸۷
	انسجام اجتماعی	۰.۷۳۴	۹.۵۶	
	آموزش اجتماعی	۰.۴۱۹	۵.۰۲	
	مشارکت اجتماعی	۰.۴۶۷	۶.۱۲	
	امنیت اجتماعی	۰.۵۱۱	۸.۳۰	
عوامل اقتصادی	تنوع اقتصادی	۰.۵۸۲	۹.۷۷	۰.۸۹
	تاب آوری مالی	۰.۶۳۷	۱۱.۹۴	
	توان مالی خانوار	۰.۴۳۹	۵.۸۸	
	زیرساخت اقتصادی	۰.۷۷۵	۱۵.۲۱	
	اشتغال و فرصت اقتصادی	۰.۷۰۲	۱۲.۴۰	
تاب آوری کالبدی-فضایی	زیست محیطی	۰.۷۳۴	۱۲.۴۱	۰.۹۰
	نهادی-مدیریتی	۰.۸۱۱	۱۴.۵۰	
	کالبدی-فضایی	۰.۵۹۴	۱۰.۰۸	
	اقتصادی	۰.۵۰۳	۷.۰۱	
	اجتماعی-فرهنگی	۰.۸۶۲	۱۲.۳۸	
عوامل مدیریتی	انسجام نهادی	۰.۷۳۵	۱۴.۲۲	۰.۹۱
	حکمرانی محلی	۰.۸۱۸	۱۵.۶۲	
	سیاست گذاری توسعه	۰.۵۵۲	۸.۰۲	
	ظرفیت مدیریتی	۰.۷۳۳	۱۰.۵۶	
	شفافیت و پاسخگویی	۰.۷۸۱	۱۱.۳۹	

با توجه به جدول ۱. در مولفه اجتماعی، شاخص سرمایه اجتماعی بیشترین اثر را داشته و با ضریب مسیر ۰.۵۸ و $t = ۶,۲۱$ معنادار گزارش شد. در مولفه اقتصادی، شاخص تنوع درآمدی ناشی از گردشگری بالاترین تأثیر را نشان داد و ضریب مسیر آن ۰.۶۴ با مقدار $t = ۷,۴۸$

به دست آمد. در مولفه مدیریتی نیز شاخص کارآمدی مدیریت محلی و برنامه ریزی روستایی بیشترین نقش را داشته و ضریب مسیر ۰.۶۱ با مقدار $t = ۶,۷۳$ را نشان داد.

جدول ۲. ضریب مسیر مولفه های پژوهش

مولفه	وابسته	(β) ضریب مسیر	t مقدار	سطح معنی داری
عوامل اجتماعی	تاب آوری کالبدی-	۰.۵۱۱	۴.۲۶۵	۰.۰۳
عوامل اقتصادی	فضایی	۰.۷۶۱	۸.۶۴۸	۰.۰۰
عوامل مدیریتی		۰.۶۷۵	۷.۰۳۴	۰.۰۱

نتیجه گیری

با توجه به جدول ۲. نتایج تحلیل مدل ساختاری نشان داد که هر سه مولفه اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی دارای اثر معنادار بر تاب آوری کالبدی-فضایی روستاهای گردشگری پذیر هستند. بر اساس ضرایب مسیر، عوامل اقتصادی با ضریب ۰.۷۶۱ بیشترین تأثیر را بر تاب آوری داشته و نشان می دهد که تقویت ظرفیت های اقتصادی، زیرساخت های مالی و فرصت های معیشتی نقش تعیین کننده ای در افزایش تاب آوری کالبدی-فضایی دارد. پس از آن، عوامل مدیریتی با ضریب مسیر ۰.۶۷۵ در رتبه دوم قرار گرفته و بیانگر آن است که حکمرانی محلی، مشارکت مدیریتی و برنامه ریزی ساختاری به طور مؤثر تاب آوری روستاها را ارتقا می دهد. در نهایت، عوامل اجتماعی با ضریب مسیر ۰.۵۱۱ کمترین اثر اما همچنان تأثیر معنادار بر تاب آوری کالبدی-فضایی دارند؛ این امر نشان می دهد که سرمایه اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت مردم محلی نیز بخشی مهم از پایداری فضایی روستاها را شکل می دهند. از آنجا که مقادیر t برای تمامی مسیرها بیش از ۱.۹۶ بوده است، اثر همه متغیرها در سطح ۰.۰۵ معنادار ارزیابی می شود.

هدف از پژوهش حاضر ارزیابی عوامل اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی مؤثر بر تاب آوری کالبدی-فضایی جوامع روستایی گردشگری پذیر بود. نتایج حاصل از تحلیل مدل نشان می دهد که در میان مؤلفه های اثرگذار، عوامل اقتصادی با ضریب مسیر ۰.۷۶۱ و مقدار $t = ۸,۶۴۸$ بیشترین نقش را در ارتقای تاب آوری کالبدی-فضایی روستاهای گردشگری پذیر داشته اند و شاخص «زیرساخت اقتصادی» با بار عاملی ۰.۷۷۵ قوی ترین زیرشاخص این بُعد بوده است. پس از آن، عوامل مدیریتی با ضریب مسیر ۰.۶۷۵ در رتبه دوم قرار گرفته و شاخص «حکمرانی محلی» با بار ۰.۸۱۸ بیشترین سهم را در این مولفه داشته است. در نهایت، عوامل اجتماعی با ضریب مسیر ۰.۵۱۱ اثر معناداری بر تاب آوری داشته اند که در میان شاخص های آن، «انسجام اجتماعی» با بار ۰.۷۳۴ بالاترین تأثیر را نشان داده است. در مجموع، معناداری تمامی مسیرها با توجه به مقدار t بالاتر از ۱.۹۶ تأیید شده و بیانگر آن است که تاب آوری کالبدی-فضایی تحت تأثیر توأمان سه بعد اقتصادی، مدیریتی و

اجتماعی به‌صورت معنادار تقویت می‌شود. لذا نتایج پژوهش حاضر با پژوهش‌های ذیل همسو است:

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بُعد اقتصادی بیشترین نقش را در تقویت تاب‌آوری کالبدی-فضایی روستاهای گردشگرپذیر داشته است. این الگو با یافته‌های اسعدی و جباری (۱۴۰۲) همخوان است؛ زیرا آن‌ها نیز برجستگی مؤلفه اقتصادی و نقش حمایت مالی را گزارش کرده‌اند. همسویی این دو پژوهش به‌دلیل آن است که هر دو نشان می‌دهند توسعه گردشگری بدون پشتوانه مالی و منابع سرمایه‌ای نمی‌تواند تاب‌آوری جامعه را تضمین کند. در مقایسه با پژوهش خداپناه (۱۴۰۲)، نتایج حاضر ناهمخوان نسبی دارد؛ زیرا در پژوهش او بعد اجتماعی قوی‌ترین عامل تاب‌آوری معرفی شده، در حالی که در مطالعه حاضر بعد اجتماعی در رتبه سوم قرار گرفت. این ناهمخوانی به تفاوت بافت‌های مکانی و میزان اتکای جوامع به روابط اجتماعی در دو منطقه مربوط می‌شود. نتایج اولیایی و همکاران (۱۴۰۳) با یافته‌های پژوهش حاضر همخوان است؛ زیرا هر دو بر اهمیت اثر مستقیم گردشگری بر تقویت اقتصاد محلی و افزایش مقاومت خانوارها تأکید دارند. در سطح بین‌المللی نیز نتایج حاضر با مطالعه عرب مختاری و همکاران (۲۰۲۳) همسو است؛ چون هر دو تأکید دارند تاب‌آوری در مقصدهای گردشگری محصول ترکیب عوامل اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی است و نه یک عامل منفرد. همین الگو در پژوهش ایبانشو و همکاران (۲۰۲۳) نیز دیده می‌شود و بنابراین، پژوهش حاضر از نظر اهمیت همزمان ساختار اقتصادی و عوامل میانجی مدیریتی با آن‌ها همخوانی روشن دارد. یافته‌های نئو و همکاران (۲۰۲۵) نیز همراستا با نتایج این پژوهش است، زیرا آن‌ها نیز اثر معنادار گردشگری بر افزایش تاب‌آوری معیشتی را نشان داده‌اند و نقش تنوع معیشتی را تقویت‌کننده تاب‌آوری معرفی می‌کنند؛

امری که در بُعد اقتصادی مطالعه حاضر نیز دیده شد. در بخش مدیریتی، نتایج تحقیق با پژوهش خداپناه و همکاران (۲۰۲۴) همخوان است؛ چون هر دو نقش حکمرانی محلی، انسجام نهادی و شفافیت مدیریتی را عامل اصلی تاب‌آوری مقصدهای گردشگری معرفی کرده‌اند. همچنین یافته‌ها با گزارش منتشرشده در نشریه نوآوری محیط‌زیست روستایی (۲۰۲۳) همسو است، زیرا هر دو بر این نکته تأکید دارند که تاب‌آوری فضایی بدون مشارکت واقعی جامعه و پاسخگویی نهادی شکل نمی‌گیرد. در حوزه اقتصادی، همخوانی نتایج با پژوهش بایدور (۲۰۲۳) نیز قابل مشاهده است؛ زیرا هر دو نقش تنوع اقتصادی و فعالیت‌های مرتبط با گردشگری را به‌عنوان قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده تاب‌آوری فضایی تأیید کرده‌اند. در نهایت، یافته‌های پژوهش با مطالعه تولا و همکاران (۲۰۲۴) همخوان است؛ زیرا هر دو نشان می‌دهند که پیوند مشارکت اجتماعی با راهبردهای اقتصادی و مدیریت محلی مهم‌ترین سازوکار تاب‌آوری در روستاهای گردشگرپذیر است. مجموع این همخوانی‌ها جایگاه نظری یافته‌های پژوهش را تقویت کرده و نشان می‌دهد که الگوی استخراج‌شده با جریان غالب ادبیات علمی بین‌المللی سازگار است و تنها در مورد پژوهش خداپناه (۱۴۰۲) به دلیل تفاوت شرایط محلی، ناهمخوانی نسبی دیده می‌شود.

پژوهش‌های اخیر نشان داده‌اند که ادغام GIS در فرآیند برنامه‌ریزی و مدیریت گردشگری می‌تواند اثرات مهمی بر ارتقای تاب‌آوری فضایی-کالبدی جوامع روستایی داشته باشد، زیرا این فناوری امکان تحلیل دقیق داده‌های مکانی را فراهم می‌کند و از این طریق الگوهای فضایی مصرف گردشگران، نقاط پرتقاضا و زیرساخت‌های حیاتی را شناسایی می‌کند که برای تصمیم‌گیری راهبردی ضروری است. در مطالعه‌ای کاربردی بر مبنای داده‌های GIS در شهر

Gelnica، پژوهشگران نشان دادند که تحلیل‌های فضایی مبتنی بر GIS می‌توانند الگوهای پراکندگی جاذبه‌های گردشگری و رفتار بازدیدکنندگان را ترسیم کنند و از این تحلیل‌ها برای بهینه‌سازی زیرساخت‌ها، مدیریت بازدید و برنامه‌ریزی توسعه پایدار بهره گرفت (سولتسوا^{۱۱} و همکاران، ۲۰۲۵). این نتایج تأکید می‌کند که GIS نه تنها در تحلیل و نمایش داده‌های مکانی مفید است، بلکه به عنوان ابزاری تصمیم‌یار در توسعه استراتژیک جوامع گردشگری نقش دارد و می‌تواند توانایی آن‌ها را در پاسخ به تغییرات و شوک‌ها افزایش دهد، که خود یکی از مولفه‌های کلیدی تاب‌آوری کالبدی-فضایی است.

در مجموع، یافته‌های این پژوهش در چارچوب ادبیات بین‌المللی اخیر نشان می‌دهد که تاب‌آوری کالبدی-فضایی یک سازه یک‌بعدی نیست، بلکه سیستمی پویا و چندبعدی است که نیازمند تقویت همزمان ساختارهای اقتصادی، شبکه‌های اجتماعی و نظام مدیریتی است. تحلیل‌ها روشن ساخت که روستاهای گردشگری پذیر زمانی پایدار می‌مانند که بتوانند ساختارهای فضایی خود را با فشار گردشگر، تغییرات اقلیمی و نوسانات اقتصادی سازگار کنند. به این ترتیب، نتایج پژوهش حاضر با ارائه مدلی تلفیقی برای ارزیابی تاب‌آوری، نه تنها خلا پژوهشی موجود در ایران را پوشش می‌دهد، بلکه برای تصمیم‌گیران، برنامه‌ریزان و مدیران محلی الگوی عملی ارائه می‌کند. این دیدگاه به‌ویژه برای مناطقی مانند الموت که گردشگری یکی از محورهای اصلی توسعه آن‌هاست، می‌تواند به عنوان مبنایی برای سیاست‌گذاری فضایی، اقتصادی و اجتماعی پایدار مورد استفاده قرار گیرد.

منابع:

- Rural and Sustainable Spatial Development. (in Persian)
- Khodapanah, H., Rasoolimanesh, S. M., & Kenebayeva, A. (۲۰۲۴). Developing a theory of tourism resiliency: Conceptual framework and potential directions. Sustainability, ۱۶(۷), ۲۸۰۰.
 - Miramadi, S. E., Zandmagham, M. R., & Kamyabi, S. (۲۰۲۳). The role of social resilience in reducing damages caused by natural factors influenced by desert areas: A case study of dust storms in Semnan County. Applied GIS and Remote Sensing in Planning, ۱۴(۳). (in Persian).
 - Mokhtari-Chelchah, S., Farahani, H., Einali, J., & Cheraghi, M. (۲۰۲۴). Evaluating the effects of economic activity diversification on the resilience of rural communities against climate change (Case study: Tourism villages of Saman County). <https://civilica.com/doc/۲۱۱۷۰۹۹>
 - Molaei, A., Korkeh Abadi, Z., & Arghan, A. (۲۰۲۴). Formulating branding strategies based on physical and environmental dimensions of the smart city: The case of Yousefabad neighborhood, District ۶ of Tehran. Applied GIS and Remote Sensing in Planning, ۱۴(۴).
 - Neo, J., Wen, Z., & Li, P. (۲۰۲۰). Rural tourism, livelihood diversification, and household resilience in China's developing regions. Tourism Management, ۱۰۰, ۱۰۴۷۹۰.
 - Niu, J., & Zhou, Y. (۲۰۲۰). How rural tourism development affects farmers' livelihood resilience: Based on comprehensive survey data of rural revitalization in China. Frontiers in Sustainable Food
 - Arab-Mokhtari, T., Morid-Sadat, P., Tavakoli, M., & Rezaei, N. (۲۰۲۳). Knowledge mapping of livelihood resilience in rural tourism destinations using VOSviewer. Rural Studies, ۱۴(۴), ۶۱۰-۶۳۳. <https://doi.org/۱۰.۲۲۰۵۹/jrur.۲۰۲۳.۳۶۱۲۳۳.۱۸۵۱> (in Persian)
 - Asaadi, M. M., & Jabari, G. (۲۰۲۱). Factors affecting resilience of rural tourism communities toward sustainable development (Case study: Tourism villages of Hamedan County). Rural Studies, ۱۶(۴), ۶۸۴-۶۹۹. <https://doi.org/۱۰.۲۲۰۵۹/jrur.۲۰۲۱.۳۲۵۶۰۴.۱۶۴۶> (in Persian).
 - Baydure, I., Beirman, D., & Pennington-Gray, L. (۲۰۲۳). Community resilience and tourism: Understanding responses to crises in rural destinations. Journal of Destination Marketing & Management, ۲۹, ۱۰۰۷۷۷.
 - Ibanescu, B.-C., Eva, M., Gheorghiu, A., & Iatu, C. (۲۰۲۲). Tourism-induced resilience of rural destinations in relation to spatial accessibility. Applied Spatial Analysis and Policy. <https://doi.org/۱۰.۱۰۰۷/s۱۲۰۶۱-۰۲۲-۰۹۴۳۹-۱>
 - Ibansu, A., Minga, A., & Muca, E. (۲۰۲۴). Rural tourism: Nurturing prosperity and community resilience. Edelweiss Applied Science & Technology, ۸(۳), ۲۷۹-۲۸۹. <https://doi.org/۱۰.۵۵۲۱۴/۲۵۷۶۸۴۸۴.۷۸۱۳.۹۶۸>
 - Kamali, Z., & Ghasemi, M. (۲۰۲۳). Assessing physical resilience of rural households' dwellings against floods (Case study: Dargaz County).

- based on spatial resilience theory: A case study of Southern Jiangsu. Land, ۱۲(۹), ۱۶۷۷. <https://doi.org/10.3390/land12091677>
- Šoltésová, M., Iannaccone, B., Štrba, L., & Sidor, C. (۲۰۲۰). Application of GIS technologies in tourism planning and sustainable development: A case study of Gelnica. ISPRS International Journal of Geo-Information, ۱۴(۳), ۱۲۰. <https://doi.org/10.3390/ijgi14030120>
 - Asrav, E. Ç., Bilgin Altınöz, A. G., & Rinaudo, F. (۲۰۲۰). GIS as an information and decision-support tool for sustainable rural heritage management: The case of Ankara. ISPRS Annals of the Photogrammetry, Remote Sensing and Spatial Information Sciences, X-M-۲-۲۰۲۰, ۲۱-۲۷. <https://doi.org/10.5194/isprs-annals-X-M-۲-۲۰۲۰-۲۱-۲۰۲۰>
 - Zhang, Y., & Li, X. (۲۰۲۴). GIS-based spatial analysis for sustainable rural development and resilience assessment. Land, ۱۳(۴), ۵۱۲. <https://doi.org/10.3390/land13040512>
 - Systems, ۹, Article ۱۵۷۳۱۴۹. <https://doi.org/10.3389/fsufs.2020.1573149>
 - Oliaei, F., Heydari-Sarban, V., & Imani, B. (۲۰۲۱). Examining the role of tourism in strengthening the economic resilience of rural residents (Case study: Ardabil County). In Proceedings of the ۶th International Conference on Tourism, Geography, and Clean Environment. Hamedan, Iran. <https://civilica.com/doc/۱۴۳۹۵۵۰> (in Persian)
 - Setiawan, B., Rijanta, R., & Baiquni, M. (۲۰۱۷). Sustainable tourism development: The adaptation and resilience of the rural communities in the tourist villages of Karimunjawa, Central Java. Forum Geografi, ۳۱(۲), ۲۳۲-۲۴۵. <https://doi.org/10.23917/forgeo.v31i2.5336>
 - Tula, J., & Ingalls, M. L. (۲۰۲۴). A social-ecological systems approach to rural resilience and sustainability. Ecology and Society, ۲۶(۴), ۱۴.
 - Walker, B., Holling, C. S., Carpenter, S. R., & Kinzig, A. (۲۰۰۴). Resilience, adaptability and transformability in social-ecological systems. Ecology and Society, ۹(۲), ۵.
 - Yang, Y., & Wang, Y. (۲۰۲۳). Exploring rural resilient factors

Evaluation of Social, Economic, and Managerial Factors Influencing the Physical–Spatial Resilience of Tourism-Oriented Rural Communities

<https://doi.org/10.71834/gisrs.2025.1225883>

Iman Tanbako-Foroosh^۱, Vahid Bigdeli-Rad^{۲*}, Maryam Khastou^۳

۱. PhD Candidate in Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.
itanbakoforoosh@gmail.com

۲. Associate Professor, Department of Urban Planning, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.
vahid.bigdeli@iau.ac.ir

۳. Assistant Professor, Department of Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.
Khastou2011@yahoo.com

Abstract

The present study aims to assess the social, economic, and managerial factors influencing the physical–spatial resilience of rural tourism communities.

Method: This applied research employs a descriptive–analytical and correlational approach to evaluate the effects of social, economic, and managerial dimensions on the physical–spatial resilience of tourism-oriented rural settlements. The statistical population included all residents of the villages of Gazarkhan, Zahrabad, Germarud, Atan, and Andaj in the East Alamut district of Qazvin Province, totaling an estimated ۲,۲۰۳ individuals. Using cluster sampling, ۳۲۷ participants were selected. Data were collected through three standardized questionnaires: the Connor–Davidson Resilience Scale (CD-RISC), a local governance and management questionnaire, and a researcher-made instrument measuring physical–spatial resilience. The collected data were analyzed using SPSS ۲۵ and SmartPLS ۳.

Findings: The model showed that income diversification had the highest direct impact ($\beta = ۰,۶۴$), followed by local managerial efficiency and social capital. Structural analysis indicated that the economic dimension, with a coefficient of ۰,۷۶۱, is the strongest predictor of physical–spatial resilience. The significance of all structural paths underscores the central role of economic, managerial, and social factors in strengthening the resilience of tourism-oriented rural settlements.

Conclusion: The results reveal that financial infrastructure and diversification of tourism-related livelihood activities play the greatest role in enhancing the adaptive capacity of rural communities. Moreover, effective local governance and social cohesion constitute the fundamental pillars of spatial and social stability. Accordingly, strengthening social capital, improving local management, and broadening economic diversification are essential for achieving multi-level resilience.

Keywords: social network, governance system, physical–spatial resilience, tourism-oriented rural villages